

تأثیر ریسک اقتصادی بر کارآفرینی زنان در کشورهای منتخب جهان

ابوالفضل شاه‌آبادی*

مهدی جعفری**، راضیه داوری‌کیش***

چکیده

از آنجا که زنان نیمی از جمعیت هر کشور را تشکیل می‌دهند لذا حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه زنان می‌تواند نقش موثری در رشد اقتصادی مستمر و باثبات کشورها داشته باشد. زنان کارآفرین به دلیل ترس از شکست تمایل کمتری برای شروع یا ادامه فعالیت‌های کارآفرینی دارند. کیفیت پایین محیط نهادی، افزایش ترس از شکست و احتمال عدم قطعیت برای دستیابی بازدهی مورد انتظار نتیجه افزایش ریسک اقتصادی است. بنابراین، افزایش ریسک اقتصادی با افزایش احتمال عدم قطعیت برای دستیابی به بازدهی مورد انتظار و افزایش ترس از شکست باعث کاهش کارآفرینی زنان می‌شود. لذا مطالعه حاضر به بررسی تأثیر ریسک اقتصادی بر کارآفرینی زنان در کشورهای منتخب جهان طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۵ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، کاهش ریسک اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کارآفرینی زنان دارد. همچنین متغیرهای توسعه مالی، سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کارآفرینی زنان دارند.

* استاد دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، a.shahabadi@alzahra.ac.ir

** دکترای علوم اقتصادی، دانشگاه مفید و مدرس دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم (نویسنده مسئول)، mahdi.jfr@gmail.com

*** دانشجوی دکتری اقتصاد بخش عمومی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، r.davarikish@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

کلیدواژه‌ها: ریسک اقتصادی، کارآفرینی، زنان، کشورهای منتخب، روش گشتاورهای
تعمیم یافته (GMM)

طبقه بندی JEL: G32, L26.

۱. مقدمه

امروزه یکی از مسیرهای مشارکت زنان برای پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی از طریق کارآفرینی است و اهمیت کارآفرینی زنان به حدی است که در دهه گذشته کارآفرینی زنان، به عنوان عامل مهم به کار برده نشده برای رشد اقتصادی شناخته شده است (Graudina and Volkova 2013). همچنین، کارآفرینی می تواند فرصت های جدید اقتصادی برای زنان ایجاد کند و به افزایش درآمد و رهایی آنها از فقر کمک کند؛ از سوی دیگر، کارآفرینی به عنوان شغلی با انعطاف پذیری بالقوه در ساعات کار موجب می گردد تا زنان بتوانند تعادلی بین کار و تعهدات (وظایف) خانوادگی شان ایجاد کنند، در نتیجه کارآفرینی زنان، از تعهدات آنها نسبت به خانواده نمی کاهد (Daynard 2015).

مطالعات بر روی کارآفرینی از لحاظ نوع جنسیت، نه تنها اختلاف معناداری بین سطح مشارکت مردان و زنان در فعالیتهای اقتصادی را نشان می دهند؛ بلکه اختلاف معنادار بین تمایل، انگیزه و فرصت های کسب و کار برای هر دو را تایید می کنند (Pérez and Hernández 2016). در نتیجه مطالعات مربوط به توسعه کارآفرینی زنان به دو گروه تقسیم می شود یکی اینکه، چه جنبه هایی هستند که بر کارآفرینی زنان تاثیر می گذارند و دوم اینکه، عوامل موثر و مشکل زا در ایجاد و توسعه کسب و کارهایی که زنان بر عهده می گیرند چیست. در گروه اول، عوامل فردی یا شخصی مرتبط با زنان بررسی می شود. در این گروه، جنبه های روانی و شناختی یعنی تمایل یا انگیزه (میل به پیشرفت و استقلال، نیاز به موفقیت و شکوفا شدن، و...) و تقاسیر ذهنی شخص (تحمل ریسک، خودباوری، درک فرصت کسب و کار و...) از عوامل تعیین کننده توسعه کارآفرینی زنان هستند (Minniti and Nardone 2007). همچنین خصوصیات اقتصادی-اجتماعی زنان (سن، آموزش، درآمد، تجارب فردی و...) بیانگر عوامل فردی و شخصی هستند. درکنار این عوامل، مباحث نظری به دنبال بررسی عوامل نهادی بر کارآفرینی زنان هستند؛ زیرا میزان تاثیر عوامل نهادی بر روی فعالیتهای زنان کارآفرین به شکل قابل توجهی با شرایط کشورها مرتبط است. در گستره ای که زنان کارآفرین با موانعی ناشی از عوامل نهادی مواجه هستند، این موانع می تواند تاثیر قابل

توجهی بر فعالیت کارآفرینانه آنان داشته باشد. لذا ضروری به نظر می‌رسد، تاثیر شرایط نهادی را بر کارآفرینی زنان بررسی کنیم.

طبق رویکرد نهادی نورث (North 1990)، «نهادها قوانین بازی یا قیدهایی هستند که از جانب نوع بشر به منظور تنظیم روابط متقابل انسان‌ها وضع شده‌اند»، در نتیجه نهادها سبب ساختارمندشدن انگیزه‌های نهفته کارآفرینان می‌شوند. مهم‌ترین کارکرد نهادها، کاهش عدم اطمینان و هزینه‌های مبادله در فعالیتهای اقتصادی به ویژه کارآفرینی است. نهادها می‌توانند با شکل‌دهی ساختار انگیزشی و فراهم کردن محیط نهادی اقتصادی مناسب برای کارآفرینی، نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش کارآفرینی ایفا نمایند (آذرمنند، ۱۳۸۵: ۱۱۹). در واقع رفتار کارآفرینی، مشروط به محیط نهادی اقتصادی است. بنابراین بهبود کیفیت نهادها منجر به ایجاد و افزایش کیفیت محیط نهادی اقتصادی برای فعالیتهای کارآفرینی می‌گردد. با توجه به این‌که کاهش ریسک اقتصادی کشور در گرو قوانین و مقررات شفاف و باثبات و سیاست‌گذاری مناسب دولت، بستر لازم برای رشد مستمر و باثبات اقتصادی، و اطمینان نسبت به آینده است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت بهبود محیط نهادی اقتصادی بیانگر ریسک اقتصادی پایین است.

عرضه کارآفرینان (به ویژه زنان) از طریق دسترسی افراد به مجموعه مهارت‌های مورد نیاز و سطح تحمل ریسک اقتصادی یک کشور که بر فعالیت آزادانه افراد تاثیر می‌گذارد، تعیین می‌شود. به عبارت دیگر زنان کارآفرین در محیطی فعالیت می‌کنند که ریسک اقتصادی کشور پایین باشد. زیرا ریسک اقتصادی بر عرضه و کنش‌های کارآفرینان و کارآفرینان بالقوه از جمله زنان تاثیر می‌گذارد. بنابراین، ریسک اقتصادی بر فعالیتهای کارآفرینی زنان، زمانی که برای شروع فعالیتهای کارآفرینانه تصمیم می‌گیرند، اثر می‌گذارد.

از این رو شایسته است برای تشویق زنان به کارآفرینی، محیط نهادی اقتصادی مناسب ایجاد گردد تا با کاهش ریسک اقتصادی، زمینه بروز و ظهور استعدادها و توانمندی‌های زنان در عرصه کارآفرینی فراهم گردد. داده‌های مربوط به کارآفرینی زنان بر اساس شاخص دیده‌بان جهانی کارآفرینی تهیه شده است. با توجه به این‌که کارآفرینی مردان و زنان به تفکیک فقط برای کارآفرینی نوپا ارائه می‌شود. لذا منظور از کارآفرینی زنان، کارآفرینی نوپا زنان است. با توجه به محدودیت آماری امکان انتخاب کشورهای منطقه منا یا حتی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی وجود نداشت. لذا کشورهایی که در دروزه زمانی

مطالعه دارای آمار کارآفرینی نوپا زنان بوده‌اند انتخاب شده‌اند. بدین منظور در این مطالعه به بررسی تاثیر ریسک اقتصادی بر کارآفرینی زنان در کشورهای منتخب جهان (شامل آرژانتین، برزیل، شیلی، کلمبیا، اکوادور، مصر، گواتمالا، هند، ایران، جامائیکا، مالزی، پاناما، پرو و اروگوئه است) طی دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ پرداخته شده است.

در ادامه به ارائه مبانی نظری، پیشینه تحقیق در خصوص تاثیر ریسک اقتصادی بر کارآفرینی زنان پرداخته و سپس به تجزیه و تحلیل آماری پرداخته می‌شود و در پایان نیز جمع‌بندی و پیشنهادهایی جهت گسترش کارآفرینی ارائه گردیده است.

۲. مبانی نظری

از آنجا که تقریباً نیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، لذا توجه به فعالیت‌های کارآفرینانه در این قشر از جامعه می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک شایانی نماید. از این رو کارآفرینی زنان، امروزه در دنیا به عنوان یکی از منابع رشد، اشتغال‌زایی و نوآوری شناخته شده است (ممیز و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷).

از آنجا که کارآفرینی زنان نه تنها به ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی کمک می‌کنند، بلکه همچنین به تنوع کارآفرینی در جامعه کمک می‌کنند (Verheul et al 2006). سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تمام کشورها سعی دارند تا بستر مناسب برای تقویت کارآفرینی زنان را فراهم کنند (Noguera et al 2015). زنان کارآفرین با چالش‌های بسیاری برای رسیدن به موفقیت روبه‌رو می‌شوند (Hatcher and Terjesen 2007)؛ زیرا زنان با موانع خاصی در شروع یا توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه‌شان نظیر کیفیت پایین محیط نهادی، فقدان مهارت یا آموزش، محدودیت دسترسی به اعتبار، فقدان پس‌انداز و محدودیت ورود به برخی صنایع مواجه می‌شوند (Akanji 2006). در این میان کیفیت محیط نهادی به عنوان یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند کمک شایانی در توسعه کارآفرینی زنان داشته باشد، مورد غفلت واقع شده است و این در حالی است که کیفیت پایین محیط نهادی، فضای نامطمئنی برای کارآفرینان به ویژه زنان ایجاد می‌کند که خارج از کنترل آنان است. لذا، فضای عدم اطمینان ناشی از کیفیت پایین محیط نهادی باعث می‌شود زنان کارآفرین از ایجاد فعالیت‌های کارآفرینانه ناامید گردند. در این صورت، زن کارآفرین علی‌رغم داشتن ویژگی‌های فردی کارآفرینی نظیر آموزش، ریسک‌پذیری، انگیزه و تجربه به دلیل کیفیت پایین محیط نهادی نمی‌تواند از فرصت‌های کارآفرینانه بهره‌برداری کند (Vob and Muller 2009).

یکی از عوامل موثر در پایین بودن کیفیت محیط نهادی، ریسک اقتصادی است. زیرا کاهش ریسک اقتصادی از طریق ایجاد قوانین و مقررات شفاف و باثبات و سیاست‌گذاری مناسب دولت، بستر لازم برای رشد مستمر و باثبات اقتصادی، و اطمینان نسبت به آینده اعث بهبود کیفیت محیط نهادی می‌گردد. بدین ترتیب کاهش ریسک اقتصادی منجر می‌شود تا محیط نهادی مناسبی برای فعالیتهای کارآفرینانه زنان فراهم گردد.

زنان در مهارت‌های کارآفرینی خود کمتر اعتماد به نفس دارند و ترس بیشتری از شکست نسبت به مردان دارند (Wagner 2007; Koellinger et al 2013). لذا زنان تمایل کمتری نسبت به مردان برای ورود به فعالیتهای کارآفرینی خواهند داشت. همچنین، بررسی فعالیتهای کارآفرینی زنان نسبت به فعالیتهای کارآفرینی مردان نشان می‌دهد، فعالیتهای کارآفرینی زنان در مقایسه با مردان بیشتر به ریسک اقتصادی (تداوم رکود و...) حساس است (De Bruin et al 2007; Manolova et al 2012; Noguera et al. 2013). بنابراین ریسک اقتصادی عامل موثری در تصمیم‌گیری زنان برای شروع فعالیتهای کارآفرینانه است. در صورتی که ریسک اقتصادی کشوری بیشتر از سطح مشخصی باشد، فضای نااطمینانی ایجاد می‌گردد، در نتیجه، احتمال عدم قطعیت برای دستیابی به بازدهی مورد انتظار برای زنان کارآفرین بیشتر می‌شود و ترس از شکست آنها افزایش می‌یابد. لذا، از شروع و یا ادامه فعالیت کارآفرینی منصرف می‌گردند. بدین ترتیب، افزایش ریسک اقتصادی از طریق افزایش احتمال عدم قطعیت برای دستیابی به بازدهی مورد انتظار و نهایتاً افزایش احساس ترس از شکست در فعالیتهای کارآفرینی باعث کاهش کارآفرینی زنان می‌گردد.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تاثیر ریسک اقتصادی بر کارآفرینی زنان است. از طرف دیگر، عوامل تعیین‌کننده کارآفرینی زنان را می‌توان به توسعه مالی، شاخص توسعه انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اشاره کرد. در ادامه به نقش به بررسی تاثیر توسعه مالی، شاخص توسعه انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کارآفرینی زنان نیز پرداخته می‌شود.

کارآفرین با کمک دانش، مهارت و تجربه کسب نموده نقش اساسی در شناخت فرصت‌ها دارد. در نتیجه زنان در صورت کسب دانش و مهارت‌های لازم، توانایی کشف فرصت‌های کارآفرینانه بدست می‌آورند. مطالعات متعددی به رابطه مثبت بین سطح تحصیلات و کارآفرینی با استفاده از تئوری سرمایه انسانی (Schultz 1954; Becker 1964) یا تئوری منبع محور اشاره کرده‌اند. به عبارت دیگر، زنان با سرمایه انسانی بیشتر یا کیفیت

بالا تری از سرمایه انسانی، توانایی بیشتری برای درک فرصت های کارآفرینی دارند. لذا، رابطه مثبتی بین بهبود سرمایه انسانی و احتمال ایجاد یک کسب و کار وجود دارد. علاوه بر این، زنان به سطوح عالی آموزش به عنوان مسیری برای خودکفایی شان از مردان اعتقاد دارند. بنابراین بین سرمایه انسانی و افزایش کارآفرینی زنان رابطه مثبت وجود دارد (Wilson et al 2007).

عدم وجود سرمایه کافی یکی از مشکلات اصلی زنان برای راه اندازی کسب و کار جدید است. معمولا زنان با وجوه اندکی که از طریق صرفه جویی در هزینه های خانواده یا قرض از اقوام به دست می آورند کسب و کار خود را شروع می کنند. برای دریافت وام بانکی، زنان ملزم به تأمین وثیقه هستند؛ اما آنها سرمایه ثابت کافی برای قرار دادن وثیقه یا ضمانت برای دریافت وام از بانک ندارند (Chowdhury et al 2018). لذا، با توسعه یافتگی بخش مالی، زنان کارآفرینان می توانند از طریق بخش مالی نیز نیازهای مالی شان را تأمین نمایند. در نتیجه دغدغه سرمایه اولیه و یا سرمایه گذاری مجدد برای توسعه و گسترش بخش تولیدی برای زنان کارآفرین کاهش می یابد.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی از طریق ایجاد بازار جدید، سرریز دانش و فضای رقابتی تر امکان تحقق فعالیت های کارآفرینانه زنان را افزایش می دهد (Misra). لذا، سرمایه گذاری مستقیم خارجی موجب می گردد تا متناسب با فناوری سرریز شده، بازارهای جدید و فضای رقابتی تر، زنان کارآفرین بتوانند ایده های کارآفرینانه خود را تحقق بخشند. بنابراین، سرمایه گذاری مستقیم خارجی نقش تعیین کننده ای در توسعه فعالیت های کارآفرینانه زنان دارد.

۳. پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی های انجام شده خاطر نشان می گردد تحقیقات جامعی در داخل و خارج کشور در خصوص موضوع پژوهش صورت نگرفته است اما درباره عوامل موثر بر کارآفرینی زنان مطالعات متعددی انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می گردد.

پرز و هرناندر (Pérez and Hernández 2016)، به بررسی عوامل موثر بر کارآفرینی زنان اسپانیایی می پردازند. نتایج تحقیق نشان می دهد، در مورد زنان جوان کارآفرین، تمایل شخصی برای کارآفرین شدن نتیجه آموزش هایی است که کسب کرده اند. در مورد زنان میان سال، کارآفرینی، به عنوان راهی برای رهایی از بیکاری است. همچنین فقدان فرهنگ

کارآفرینی مانع مهمی در فعالیتهای کارآفرینی زنان است و نکته دیگر اینکه، زن بودن شامل مسئولیتهای نابرابر خانوادگی بین زن و مرد در خانواده است که مانع کارآفرینی زنان می شود، لذا تنظیم سیاست‌هایی برای تسهیل کار زنان ضروری است.

مادن (Maden 2015) به بررسی ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین و عوامل تاثیرگذار بر تصمیم زنان برای شروع کسب‌وکار در ترکیه پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش زنان کارآفرین موفق در ترکیه و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه و مصاحبه می باشد. نتایج نشان می‌دهد شباهتی میان زنان کارآفرین ترکیه با توجه به ویژگی‌های شخصیتی (مشخصات، محرک‌ها، مشکلات، حمایت و پشتیبانی) وجود دارد یعنی زنان کارآفرین موفق در ترکیه زنانی سرسخت، مصمم، رویاپرداز و دارای ذهنی قوی و نوآورانه هستند و از فرصت‌های منحصر به فرد در محیط کسب و کار بخوبی استفاده می‌کنند. مهمترین مشکلی که بین تمام زنان کارآفرین مشترک است بحث حمایت مالی است. زیرا زنان کارآفرین ترکیه فقط از حمایت‌های مالی دولتی استفاده می‌کنند و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، زنان کارآفرین را حمایت مالی نمی‌کنند.

نوگرا و همکاران (Noguera et al 2015)، به بررسی تعیین‌کننده‌های کارآفرینی زنان با رویکردی نهادی با استفاده از داده‌های ترکیبی طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۳ در اسپانیا پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عوامل غیررسمی (تشخیص فرصت کارآفرینی و شبکه‌های زنانه) تاثیر بیشتری بر کارآفرینی زنان نسبت به عوامل رسمی (آموزش، خانواده و تفاوت سطح درآمد) دارند. همچنین توسعه دانش در صورت بهبود عوامل نهادی می‌تواند بر کارآفرینی زنان تاثیر بگذارد.

نوگرا و همکاران (Noguera et al 2013)، به بررسی تاثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی بر کارآفرینی زنان با استفاده از مدل‌های رگرسیون لجستیک (logistic regression models) در کاتالونیا اسپانیا طی دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ می‌پردازند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ترس از شکست و درک فرصت‌ها مهمترین عوامل اجتماعی-اقتصادی بر احتمال کارآفرین شدن زنان هستند.

کالینگر و همکاران (Koellinger et al 2013) به بررسی تاثیر تفاوت جنسیت بر تمایل به کارآفرینی در ۱۷ کشور منتخب می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نرخ پایین کارآفرینی زنان به دلیل تمایل کمتر زنان برای شروع کسب و کار است. زنان در مهارت‌های کارآفرینی خود کمتر اعتماد به نفس دارند، شبکه‌های اجتماعی مختلفی دارند و ترس

بیشتری نسبت به مردان دارند. لذا، این متغیرها بخش مهمی از شکاف جنسیتی را در فعالیت های کارآفرینی توضیح می دهند. اگرچه، اهمیت نسبی آنها در کشورهای مختلف متفاوت است، این عوامل به نظر می رسد که یک اثر جهانی داشته باشند.

پروین و همکاران (Parvin et al 2012)، به بررسی عوامل توسعه کارآفرینی زنان در روستاهای شمالی بنگلادش با استفاده از مدل پروبیت (Probit) و پرسش نامه ۲۴۸ کارآفرین و ۱۳۲ غیر کارآفرین پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد، آزادی کار و رسیدن به سطح اجتماعی بالاتر عوامل اثرگذار و معنادار بر کارآفرینی زنان هستند. از میان عوامل خارجی نیز دسترسی به اعتبار، آموزش و دسترسی به اطلاعات از عوامل اثرگذار و معنادار بر کارآفرینی زنان می باشند.

آراستی و همکاران (Arasti et al 2012) به ارزیابی کیفی و شناسایی عوامل محیطی موثر بر رشد فعالیت های کارآفرینانه زنان ایرانی می پردازند. نتایج تحقیق نشان می دهد عوامل محیطی شامل سه دسته عوامل اقتصادی (ناامنی اقتصادی، مشکل در یافتن سرمایه گذار، هزینه بالای نیروی کار و رکود اقتصادی)، اجتماعی - فرهنگی (باورهای مذهبی، عدم اعتماد به زنان، اثر نظرات مشاور، اثرات حمایت و انگیزشی شبکه های اعتمادی) و قانونی (نرخ بالای مالیات، انگیزه های مالیاتی و فرایند دریافت وام) بر رشد فعالیت های کارآفرینانه زنان تاثیر می گذارند.

نورشیا مات و رازک (Norsiah Mat and Razak 2011) به بررسی تاثیر ویژگی های فردی و عوامل محیط تجاری بر فعالیت های کارآفرینانه زنان می پردازند. نتایج تحقیق نشان می دهد، ویژگی های فردی شامل آموزش، تجربه کاری، ریسک پذیری بر فعالیت های کارآفرینانه زنان تاثیر می گذارند. همچنین ساختار اقتصادی نظیر کمبود اعتبار، کمبود دارایی برای وثیقه، موانع اجتماعی - فرهنگی و کمبود پس انداز به دلیل سطح پایین درآمد خانوار و کمبود مهارت های نیروی کار به دلیل سطح پایین آموزش بر فعالیت های کارآفرینانه زنان تاثیر می گذارند.

استرین و میکی ویکس (Estrin and Mickiewicz 2011)، به بررسی تاثیر نهادها بر کارآفرینی زنان در ۵۵ کشور عضو دیده بان جهانی کارآفرینی طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد، در جایی که بخش دولتی بسیار بزرگ می باشد زنان احتمال کمتری برای ورود به فعالیت های کارآفرینانه دارند اما حاکمیت قانون اثر مشخصی بر کارآفرینی زنان ندارد.

اکافور و مردی (Okafor and Mordi 2010)، به بررسی عوامل محیطی بر توسعه کارآفرینی زنان در ایالت لاگوس نیجریه می‌پردازند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، سیاست دولت به عنوان یک عامل محیطی بر توسعه کارآفرینی زنان تأثیر منفی دارد و برای تشویق زنان برای کارآفرینی بایستی سیاست‌های دولت در راستای تسهیل دسترسی زنان کارآفرین به منابع مالی مورد نیاز باشد.

بعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی در استان همدان با استفاده از پرسشنامه پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، بین ویژگی‌های شخصیتی، وضعیت اقتصادی و شرایط اجتماعی فرهنگی زنان با کارآفرینی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد ولی بین وضعیت خانوادگی و کارآفرینی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. ممیز و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان ایرانی با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، عوامل اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی و ایدئولوژیکی که در افزایش نقش اجتماعی زنان تأثیر دارند. همچنین، سن، وضعیت تأهل، درجه تحصیلات و امکانات شغلی از جمله علل و عواملی است که به شدت در کاهش اشتغال زنان دخالت دارند.

آراستی و اکبری جوکار (۱۳۸۷)، به بررسی مشکلات فعالیت‌های کارآفرینانه زنان تحصیل‌کرده دانشگاهی ایران با استفاده از پرسش‌نامه می‌پردازند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مشکلات زنان کارآفرین تحصیل‌کرده دانشگاهی به دلیل وجود قوانین دست‌وپاگیر، بوروکراسی اداری، اخذ مجوزها و تامین منابع مالی هستند.

آراستی (۱۳۸۵)، به بررسی ساختارهای فرهنگی-اجتماعی مؤثر در ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه زنان دانشگاهی با استفاده از پرسش‌نامه در ایران می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از میان عوامل فرهنگی-اجتماعی (موافق اطرافیان به زن کارآفرین، ارزش‌ها و باورهای جامعه، وجود الگوی نقض در اطرافیان، برقراری تعادل بین خانواده و کار، آموزش و محرک‌های محیطی) تنها عامل تقویت‌کننده، نگرش موافق اطرافیان به زن کارآفرین می‌باشد و سایر عوامل در این امر بی‌تأثیر هستند.

ادبیات موضوع مربوط به کارآفرینی زنان، اهمیت مطالعه کارآفرینی زنان برای توسعه اجتماعی و اقتصادی را بیان می‌کند. با این وجود، تحقیقات درباره کارآفرینی زنان به منظور ورود بیشتر زنان به عرضه کارآفرینی و ورود آنها به بازار کار از این مسیر کافی نبوده است چرا که عوامل تعیین‌کننده دیگری غیر از عوامل مورد بررسی مطالعات پیشین وجود دارد

که از نظر پژوهشگران دور مانده است و این پژوهش در راستای رفع خلا موجود است. اکثر مطالعات تجربی اذعان به این نکته دارند که از زنان کارآفرین به اندازه کافی حمایت نشده تا بتوانند به راه اندازی کسب و کارهای بیشتری بپردازند و دلایل این امر می تواند دلایل فرهنگی و گرایش های اجتماعی و همچنین دسترسی به منابع و فرصت ها باشد لذا با توجه به مطالعات پیشین می توان بیان نمود که اکثر توجه آنها به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی است و از توجه به عامل تعیین کننده کارآفرینی زنان که ریسک اقتصادی می باشد، غافل شده است بدین ترتیب، بیان سازوکار اثرگذاری ریسک اقتصادی بر فعالیت های کارآفرینی زنان ضروری است. بدین منظور، مطالعه حاضر به دنبال بررسی تاثیر ریسک اقتصادی بر کارآفرینی زنان در کشورهای منتخب جهان است تا خلأ موجود در خصوص کارآفرینی زنان در کشورهای منتخب جهان را پر نماید.

۴. ارائه مدل و معرفی متغیرها

کارآفرینی زنان با نقش تعیین کننده در رشد و توسعه اقتصادی کشورها نیازمند بررسی عوامل موثر بر آن است که در چارچوب مبانی نظری و مطالعات تجربی از قبیل پرز و هرناندر (Pérez and Hernández 2016)، مادن (Maden 2015)، نوگرا و همکاران (Noguera et al 2015)، نوگرا و همکاران (Noguera et al 2013)، پروین و همکاران (Parvin et al 2012)، استرین و میکی ویکس (Estrin and Mickiewicz 2011) و اکافور و مردی (Okafor and Mordi 2010)، کارآفرینی زنان تابعی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI/ Foreign Direct Investment)، توسعه مالی (FD/ Financial development)، ریسک اقتصادی (RE/ Economic risk) و سرمایه انسانی (HC/ Human Capital) است. لذا پژوهش حاضر با الهام از مبانی نظری و مطالعات تجربی و واقعیات جامعه آماری تابع زیر را ارائه می دهد:

$$(1) \quad (TEA) = F(HC, FDI, FD, RE_i)$$

در این پژوهش کارآفرینی زنان (TEA/ Total early-stage Entrepreneurial Activity) به عنوان متغیر وابسته مد نظر است که با توجه به عوامل تعیین کننده در رابطه (۱)، مدل (۲) در ۶ حالت به صورت لگاریتمی برآورد می گردد که حرف L بیانگر لگاریتمی بودن متغیرها می باشد:

$$L(TEA)_t = \beta_0 + \beta_1 * L(TEA)_{t-1} + \beta_2 * LHC_t + \beta_3 * LFDI_t + \beta_4 * LFD_t + \beta_5 * LRE_t + \mu_t + \varepsilon_t \quad (2)$$

شایان ذکر است ریسک اقتصادی شامل ۵ شاخص: تولید ناخالص داخلی سرانه، رشد تولید ناخالص داخلی واقعی، نرخ تورم سالیانه، کسری بودجه دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی، تراز حساب جاری نسبت به تولید ناخالص داخلی است که هر یک از شاخص‌های آن در ۶ حالت هر کدام به صورت مجزا با متغیرهای ثابت سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه مالی در مدل مذکور قرار گرفته است. در ادامه به معرفی متغیرهای حاضر در مدل مذکور پرداخته می‌شود:

کارآفرینی زنان (TEA): داده‌های مربوط به کارآفرینی زنان بر اساس شاخص دیده‌بان جهانی کارآفرینی تهیه شده است. با توجه به این که کارآفرینی مردان و زنان به تفکیک فقط برای کارآفرینی نوپا ارائه می‌شود. لذا منظور از کارآفرینی زنان، کارآفرینی نوپا زنان است. بر اساس شاخص دیده‌بان جهانی کارآفرینی، کارآفرین نوپا، فردی است که هم اکنون کسب و کاری را مدیریت می‌کند. شخصاً مالک تمام یا بخشی از آن شرکت است. آن شرکت بیش از ۴۲ ماه عمر دارد. فعالیت کارآفرینانه نوپا (TEA) به نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه نوظهور و جدید در بین جمعیت بزرگسال (۱۸ تا ۶۴ سال) اشاره می‌کند

ریسک اقتصادی (RE): بر اساس شاخص ICRG ریسک اقتصادی از مجموع ۵ شاخص: تولید ناخالص داخلی سرانه، رشد تولید ناخالص داخلی واقعی، نرخ تورم سالیانه، کسری بودجه دولت نسبت به GDP، تراز حساب جاری نسبت به GDP به دست می‌آید و در مجموع ۵۰ امتیاز را شامل می‌شود که هر چه امتیاز افزایش یابد نشان از کاهش ریسک اقتصادی است.

تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP Per capita): بر اساس شاخص ICRG، نسبت تولید ناخالص داخلی به جمعیت است که از ۵۰ امتیاز ریسک اقتصادی ۵ امتیاز شامل این متغیر است و هر چه امتیاز این شاخص افزایش یا به عبارتی مقدار آن افزایش یابد نشان از کاهش ریسک اقتصادی است.

رشد تولید ناخالص داخلی واقعی (RGDP): بر اساس شاخص ICRG، تغییر سالانه در تولید ناخالص داخلی، بر اساس قیمت‌های ثابت سال ۱۹۹۰ که به صورت درصد افزایش یا کاهش می‌یابد و از مجموع ۵۰ امتیاز ریسک اقتصادی ۱۰ امتیاز شامل این متغیر است و هر

چه امتیاز این مولفه افزایش یا به عبارتی مقدار آن افزایش یابد نشان از کاهش ریسک اقتصادی است.

نرخ تورم سالیانه (INF): بر اساس شاخص ICRG، نرخ تورم سالانه، میانگین غیرروزی شاخص قیمت مصرف‌کننده است که به صورت درصد تغییرات محاسبه می‌شود، و از ۵۰ امتیاز ریسک اقتصادی ۱۰ امتیاز شامل این متغیر است و هر چه امتیاز این شاخص افزایش یا به عبارتی مقدار آن کاهش یابد نشان از کاهش ریسک اقتصادی است. بر اساس شاخص ICRG، نرخ تورم سالانه، میانگین غیرروزی شاخص قیمت مصرف‌کننده است که به صورت درصد تغییرات محاسبه می‌شود، و از ۵۰ امتیاز ریسک اقتصادی ۱۰ امتیاز شامل این متغیر است و هر چه امتیاز این شاخص افزایش یا به عبارتی مقدار آن کاهش یابد نشان از کاهش ریسک اقتصادی است.

کسری بودجه دولت نسبت به GDP (BD/GDP): بر اساس شاخص ICRG، در این نسبت تراز بودجه تخمینی دولت مرکزی (شامل کمک‌های دولتی) به صورت درصدی از GDP است که برای آن سال براساس واحد پول ملی در نظر گرفته می‌شود. از ۵۰ امتیاز ریسک اقتصادی ۱۰ امتیاز شامل این متغیر است و هر چه امتیاز این شاخص افزایش یا به عبارتی مقدار آن کاهش یابد نشان از کاهش ریسک اقتصادی است.

تراز حساب جاری نسبت به GDP (NX/GDP): بر اساس شاخص ICRG، در این نسبت تراز حساب جاری، تخمینی از تراز پرداخت‌ها به صورت درصدی از GDP است که براساس متوسط نرخ ارز همان سال به دلار آمریکا تبدیل شده است و از ۵۰ امتیاز ریسک اقتصادی ۱۵ امتیاز شامل این متغیر است و هر چه امتیاز این شاخص افزایش یا به عبارتی مقدار آن کاهش یابد نشان از کاهش ریسک اقتصادی است.

جدول ۱. تعریف متغیرهای بکار رفته در مدل کارآفرینی زنان

نام متغیر	نماد	شاخص اندازه‌گیری	مطالعات مؤید موضوع ارتباط
لگاریتم کارآفرینی زنان	L(TEA)	فعالیت کارآفرینانه نوپا (TEA) بر اساس شاخص دیده‌بان جهانی کارآفرینی	پرز و هرناندر (Pérez and Hernández 2016)، مادن (Maden 2015)، نوگرا و همکاران (Noguera et al 2015)، نوگرا و همکاران (Noguera et al 2013)، پروین و همکاران (Parvin et al 2012)
لگاریتم ریسک اقتصادی	L(RE)		

<p>قبادیان و همکاران (Gbadeyan et al 2017)، پرز و هرناندر (Pérez and Hernández 2016)، مادن (Maden 2015)، نوگرا و همکاران (Noguera et al 2013)، نورشیا مات و رازک (Norsiah Mat and Razak 2011) و استرین و میکی ویکس (Estrin and T. Mickiewicz 2011). انتظار وجود یک ارتباط مستقیم</p>	<p>شاخص ICRG</p>	<p>L(GDP Per capita)</p>	<p>لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه</p>
		<p>L(RGDP)</p>	<p>لگاریتم رشد تولید ناخالص داخلی واقعی</p>
		<p>L(INF)</p>	<p>لگاریتم نرخ تورم سالیانه</p>
		<p>L(BD /GDP)</p>	<p>لگاریتم کسری بودجه دولت نسبت به GDP</p>
		<p>L(NX /GDP)</p>	<p>لگاریتم تراز حساب جاری نسبت به GDP</p>
<p>نوگرا و همکاران (Noguera et al 2015)، پروین و همکاران (Parvin et al 2012) و نورشیا مات و رازک (Norsiah Mat and Razak 2011). انتظار وجود یک ارتباط مستقیم</p>	<p>از نرخ ناخالص ثبت نام در مقطع تحصیلات عالی استفاده شده است</p>	<p>L(HC)</p>	<p>لگاریتم سرمایه انسانی</p>
<p>داناگول و همکاران (Danakol et al 2017) و میونمو (Munemo 2017). انتظار وجود یک ارتباط مستقیم</p>	<p>از نسبت جریان خالص سرمایه گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است.</p>	<p>L(FDI)</p>	<p>لگاریتم سرمایه گذاری مستقیم خارجی</p>
<p>کیمیت و مونوز (Kimmitt and Munoz 2017)، میونمو (Munemo 2017) و کینگ و لوین (King and Levine 1993). انتظار وجود یک ارتباط مستقیم</p>	<p>از نسبت میزان اعتبارات اعطایی توسط بخش مالی به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است.</p>	<p>L(FD)</p>	<p>لگاریتم توسعه مالی</p>
<p>www.prsgroup.com , www.wdi.org , www.gemconsortium.org</p>			

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج

با توجه به اینکه تعداد سالهای مورد بررسی کمتر از ۱۰ سال است، ضرورتی به آزمون ریشه واحد نمی‌باشد لذا به بررسی تشخیص قابلیت تخمین مدل به وسیله داده‌های پنل

پرداخته می‌شود، بدین منظور از آزمون F لیمر استفاده می‌گردد. نخست باید تعیین گردد، رابطه رگرسیونی مورد بررسی دارای عرض از مبدهای ناهمگن، شیب همگن و شرایط استفاده از مدل داده‌های پنل است یا اینکه فرضیه عرض از مبدهای مشترک و شیب مشترک در بین مقاطع پذیرفته شده و به عبارتی لزوم استفاده از مدل داده‌های تلفیقی را دارد. بدین منظور برای آزمون معنی‌دار بودن روش داده‌های پنل از آماره آزمون اف‌لیمر استفاده گردیده است. آماره آزمون F براساس رابطه (۳) محاسبه (Baltagi et al 2008) و با مقدار F جدول مقایسه می‌گردد:

$$F = \frac{(RRSS - URSS)}{URSS/(NT - N - K)} \approx F[(N - 1), (NT - N - K)] \quad (3)$$

مطابق رابطه (۳) RRSS، URSS، K، N، N-1 و NT-N-K به ترتیب بیانگر ضریب تعیین حاصل از مدل مقید، ضریب تعیین حاصل از مدل نامقید (روش پنل دیتا)، متغیرهای توضیحی، نماینده مقاطع، تعداد قیود در مدل مقید و درجه آزادی مدل غیرمقید است. با توجه به مقدار F محاسبه شده در رابطه (۳) و F جدول با درجات آزادی مشخص شده، فرض H_0 مبنی بر همگنی مقاطع و عرض از مبدهای یکسان رد می‌شود و پنل دیتا بودن داده‌های آماری را تصدیق می‌نماید. بنابراین متناسب با پنل دیتا بودن داده‌های آماری می‌توان با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM/ Generalized Method of Moments) به برآورده مدل پرداخت؛ چرا که مطابق جدول (۴) مقدار F محاسبه شده بزرگتر از مقدار F جدول است.

جدول ۴. نتایج آزمون Leamer F جهت بررسی مدل‌های تلفیقی و پنل

	حالت اول	حالت دوم	حالت سوم	حالت چهارم	حالت پنجم	حالت ششم
F-Statistic [Prob]	۲۰/۰۰ (۰/۰۰۰)	۱۸/۹۷ (۰/۰۰۰)	۱۵/۷۶ (۰/۰۰۰)	۱۷/۹۲ (۰/۰۰۰)	۱۸/۵ (۰/۰۰۰)	۱۹/۱۶ (۰/۰۰۰)

منبع: محاسبات پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش برآوردگر پویایی گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) که توسط بلوندل و بوند (Blundell & Bond 1998)، ارائه شده به تخمین مدل می‌پردازد چرا که این روش علاوه بر رفع همبستگی متغیرهای مستقل با اجزاء اخلاص و درون‌زایی آنها، رفع

ناهمسانی واریانس مدل و کارا بودن آن در هر دو حالت، اثرات ثابت و تصادفی است لذا نیاز به آزمون هاسمن نیست.

نتایج جدول (۵) حاکی است، ریسک اقتصادی نیز متناسب با نتایج تخمین، تاثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی زنان را نشان می‌دهد؛ این نکته را نیز مجدداً متذکر می‌شویم افزایش امتیاز شاخص ریسک اقتصادی به معنای کاهش ریسک اقتصادی است. بنابراین ضریب تخمینی مثبت ریسک اقتصادی به معنای کاهش ریسک اقتصادی است. کاهش ریسک اقتصادی بستر لازم را برای اطمینان نسبت به آینده برای زنان کارآفرین فراهم می‌آورد. لذا، کاهش ریسک اقتصادی، احتمال عدم قطعیت برای دستیابی به بازدهی مورد انتظار زنان کارآفرین را کاهش می‌دهد و ترس از شکست زنان برای شروع یا ادامه فعالیت‌های کارآفرینانه کاهش می‌یابد در نتیجه، زنان کارآفرین با اطمینان بیشتری به ایجاد و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه می‌پردازند.

تولید ناخالص داخلی سرانه و رشد تولید ناخالص داخلی واقعی نیز از شاخص‌های ریسک اقتصادی است که با تاثیر بر انگیزه و دل‌نگرانی‌های کارآفرینان نسبت به سودآور بودن و بازار فروش فعالیت‌های تولیدی و همچنین تامین مالی سرمایه‌گذاری بر ایده‌ها و محقق ساختن فرصت‌ها منجر می‌گردند اطمینان از سرمایه‌گذاری حاصل گردد و زمینه برای شناخت فرصت‌ها و تحقق ایده‌ها فراهم گردد چرا که زنان کارآفرین متناسب با ریسک‌گریز بودنشان با کاهش ریسک اقتصادی شرایط را برای فعالیت‌های کارآفرینانه خود مناسب دیده و در راستای آن قدم برمی‌دارند و بدین ترتیب نتایج جدول (۵) تاثیر تولید ناخالص داخلی سرانه و رشد تولید ناخالص داخلی بر کارآفرینی زنان را مثبت و معنادار نشان می‌دهد چرا که با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه و رشد تولید ناخالص داخلی که ریسک اقتصادی را کاهش و در عین حال امتیاز آن را افزایش می‌دهد، منجر به تقویت انگیزه زنان کارآفرین می‌شود. نرخ تورم نیز از دیگر شاخص‌های ریسک اقتصادی است که بی‌ثباتی را برای محیط اقتصادی فراهم می‌آورد و ریسک‌گریز بودن زنان در حوزه کارآفرینی را افزایش و تحریک می‌نماید و منجر می‌گردد هزینه فعالیت آنان افزایش یابد. لذا، قدرت رقابت با سایر بخش‌های تولیدی حاضر را نخواهند داشت و از این رهگذر نگرانی را برای زنان کارآفرین به ارمغان می‌آورند و بر سودآور بودن فعالیت آنها تاثیر می‌گذارند و بدین طریق سبب کم‌رنگ شدن حضور فعال افراد خصوصاً زنان در عرصه کارآفرینی برای تحقق ایده‌ها و خلاقیت آنان می‌گردند. همچنین می‌توان متناسب با نتایج

تخمین بیان داشت که به دنبال افزایش نرخ تورم، ریسک اقتصادی افزایش یافته اما امتیاز آن کاهش می‌یابد و منجر می‌شود نتایج پژوهش تاثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی زنان داشته باشد. کسری بودجه یکی دیگر از مولفه‌های ریسک اقتصادی است. در صورت کاهش کسری بودجه، دولت با فراغ بال خاطر می‌تواند از کارآفرینان تازه وارد به عرصه فعالیت‌های تولیدی حمایت نماید چرا که اگر کارآفرین مطلع شود دولت برای حمایت آنان در عرصه اقتصاد و به ویژه حمایت مالی از ایده‌ها و خلاقیت آنان در راستای تحقق نوآوری و ایجاد فرصت‌های اشتغال گام برمی‌دارد و در جهت حمایت آنها حرکت می‌کند دل‌نگرانی آنان هنگام برخورد با مشکلات مالی و حمایتی کاهش می‌یابد و بدین طریق دولت با بودجه تخصیص یافته می‌تواند زمینه فعالیت کارآفرینان را فراهم نماید، لذا کسری بودجه دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی، ریسک اقتصادی را افزایش و در عین حال امتیاز آن را کاهش می‌دهد و مطابق نتایج تخمین منجر به تاثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی زنان می‌شود. از دیگر شاخص ریسک اقتصادی که منجر به افزایش ریسک اقتصادی و کاهش امتیاز آن می‌شود، می‌توان به کسری تراز حساب جاری نسبت به تولید ناخالص داخلی اشاره داشت که کاهش آن منجر به تاثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی زنان می‌گردد زیرا با افزایش واردات کالا و خدمات در کشورهای در حال توسعه که قریب به اتفاق کالاهای مصرفی است علاوه بر اینکه با قیمت پایین کالاهای وارداتی نسبت به کالاهای داخلی انگیزه فعالیت در بخش تولید داخلی را از زنان کارآفرین می‌گیرد منجر می‌گردد کالاهای وارداتی هیچ گونه فناوری به کشور، سرریز نداشته باشد و تاثیر مخرب بر زنان کارآفرین بگذارد، همچنین حرکت و انگیزه زنان کارآفرین را در جهت ارتقا قدرت رقابت‌پذیری کاهش دهد و از این منظر فعالیت زنان کارآفرین را در راستای تقلیل شناخت فرصت‌ها تحت تاثیر قرار می‌دهد. مطالعات صورت گرفته در خصوص ریسک اقتصادی و شاخص‌هایی آن توسط قبادیان و همکاران (Gbadayan et al 2017)، پرز و هرناندر (Pérez and Hernández 2016)، مادن (Maden 2015)، نوگرا و همکاران (Noguera et al 2013)، نورشیا مات و رازک (Norsiah Mat and Razak 2011) و استرین و میکسی ویکس (Estrin and Mickiewicz 2011) نیز حاکی بر هم‌راستا بودن نتایج و انتظارات این پژوهش است.

توسعه مالی تاثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی زنان دارد چرا که با توسعه‌یافتگی بخش مالی، کارآفرینان می‌توانند از این بخش تامین مالی نمایند و درصد گسترش آن باشند به عبارتی میزان اعتبارات اعطایی به کارآفرینان به ویژه زنان منجر می‌گردد دغدغه سرمایه اولیه

و یا سرمایه‌گذاری مجدد برای توسعه و گسترش بخش تولیدی کاهش یابد و انگیزه زنان کارآفرین برای فعالیت در این بخش افزایش یابد. در این زمینه مطالعاتی نیز توسط کیمیت و مونوز (Kimmitt and Munoz 2017)، میونمو (Munemo 2017) و کینگ و لوین (King and Levine 1993) صورت پذیرفته که نتایج آنها نیز هماهنگ با نتایج این پژوهش است. همچنین سرمایه انسانی به واسطه دانش و مهارت کسب شده توسط افراد بر تشخیص فرصت‌ها تأثیر می‌گذارد، به عبارتی کارآفرین با کمک دانش، مهارت و تجربه کسب نموده نقش اساسی در شناخت فرصت‌ها دارد با توجه به اینکه زنان نسبت به گذشته جایگاهی در سرمایه انسانی و کسب مهارت‌های دانش دارند بنابراین توانایی کشف فرصت‌ها نیازمند دانش و اطلاعاتی است که توسط زنان آموزش دیده حاصل می‌شود و ایده‌های جدید را توسط دانش کسب شده بر ذهن آنان خطور می‌نماید و به دنبال ایده و خلاقیت جدید، کارآفرینی را محقق نموده و با نتایج پژوهش حاضر نیز می‌توان بیان داشت سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی زنان دارد و مطالعات نوگرا و همکاران (Noguera et al 2015)، پروین و همکاران (Parvin et al 2012) و نورشیا مات و رازک (Norsiah Mat and Razak 2011) نیز حاکی از این اثر است. نتایج تخمین جدول (۵) نیز نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز تأثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی زنان دارد، به عبارتی به کارگیری مناسب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند منجر به تأمین مالی فعالیت‌های تولیدی و همچنین انتقال و سرریز فناوری به کشور مبدا گردد. بدین ترتیب سرمایه‌گذاری خارجی موجب می‌گردد تا متناسب با فناوری سرریز شده، ایده‌های جدید و نو برای تشخیص فرصت‌ها در ذهن کارآفرینان خطور نمایند و لازمه فعالیت آنها را فراهم نمایند و از این رهگذر مشوقی برای زنان کارآفرین باشند. مطالعات داناکول و همکاران (Danakol et al 2017) و میونمو (Munemo 2017) نیز از این شاخص استفاده کرده‌اند.

جدول ۵. نتایج تخمین معادله کارآفرینی زنان

متغیر	حالت اول	حالت دوم	حالت سوم	حالت چهارم	حالت پنجم	حالت ششم
LTEA(t-1)	۰/۱۰۹ (۰/۰۰۷)	۰/۳۱۹ (۰/۰۰۰)	۰/۲۶۹ (۰/۰۰۰)	۰/۲۵۳ (۰/۰۰۰)	۰/۲۴۴ (۰/۰۰۰)	۰/۲۷۳ (۰/۰۰۰)
LFDI	۰/۰۱۰۵ (۰/۰۱۹)	۰/۰۲۶ (۰/۰۰۶)	۰/۰۲۳۸ (۰/۰۰۶)	۰/۰۱۷۷ (۰/۰۰۱)	۰/۰۲۵۹ (۰/۰۰۴)	۰/۰۲۸ (۰/۰۰۱)
LFD	۰/۱۴۸ (۰/۰۲۳)	۰/۱۹۶۶ (۰/۰۰۰)	۰/۱۸۵ (۰/۰۰۱)	۰/۲۱۳۱ (۰/۰۰۰)	۰/۲۲ (۰/۰۰۰)	۰/۱۶۸۱ (۰/۰۰۰)

LH	۰/۱۴۸ (۰/۰۰۰)	۰/۱۳۹ (۰/۰۰۴)	۰/۱۹۴ (۰/۰۰۱)	۰/۰۶۰۸ (۰/۰۰۵)	۰/۱۵۹ (۰/۰۰۱)	۰/۱۷۵ (۰/۰۰۱)
LRE	۰/۶۰۷ (۰/۰۰۰)	-	-	-	-	-
L(GDP per capita)	-	۰/۱۷۷ (۰/۰۱۸)	-	-	-	-
L(GDP)	-	-	۰/۵۵۵ (۰/۰۰۳)	-	-	-
L(INF)	-	-	-	۰/۱۵ (۰/۰۰۰)	-	-
L(BD/GDP)	-	-	-	-	۰/۳۴۶ (۰/۰۰۰)	-
L(NX/GDP)	-	-	-	-	-	۰/۱۱۶ (۰/۰۵۱)
Sargan test	۰/۹۲۰۶	۰/۹۴۷۵	۰/۳۲۵۲	۰/۹۴۸۳	۰/۹۶۴۴	۰/۹۰۹۴
Number of obs	۳۰۸					
Number of groups	۴۴					

* اعداد داخل پرانتز مقدار p-value را نشان می دهد.

منبع: محاسبات پژوهش

۶. نتیجه گیری و پیشنهادها

کارآفرینی با ایجاد فضا برای اشتغال و افزایش تولید ناخالص داخلی و فراهم نمودن افزایش صادرات و کاهش واردات کالاهای مصرفی زمینه را برای افزایش قدرت رقابت پذیری فراهم نموده و به دنبال آن رشد اقتصادی مستمر و باثبات را محقق می سازد. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می دهند، فراهم کردن محیط مناسب برای فعالیت های کارآفرینانه این قشر از جامعه می تواند نقش موثری در رشد و توسعه اقتصادی کشورها داشته باشد. لذا زنان کارآفرین به دلیل اینکه توانایی استفاده از فرصت ها و تحقق ایده ها را دارند، می توانند نقش تعیین کننده ای را در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی ایفاء نمایند. لذا زنان با توجه به جایگاه ویژه و توانایی های تعیین کننده ای که در ایجاد

فرصت‌های شغلی با استفاده از تحقق شرایط برای ایجاد کارآفرینی دارند، می‌توانند پس از رفع دغدغه اشتغال افراد جامعه و کاهش نرخ بیکاری، تولید کالا و خدمات را افزایش و به دنبال آنها قدرت رقابت‌پذیری را تحت تاثیر قرار دهند. بنابراین کارآفرینی زنان با توجه به جایگاهی که دارد تمرکز بر عوامل تعیین‌کننده‌های آن را می‌طلبد، از جمله آن می‌توان ریسک اقتصادی را متذکر شد چرا که ریسک برای کارآفرینان که تازه به عرصه فعالیت پا می‌گذارند بسیار مهم است که آیا شروع فعالیت آنان با توجه به سودآور بودن فعالیتشان و با توجه به ریسک‌های پیش‌رو، بازده انتظاری را برای فعالیت کارآفرینی به همراه خواهد داشت؟ زیرا هر چه در اقتصاد کشور، تولید ناخالص داخلی سرانه و رشد تولید ناخالص داخلی واقعی بالاتر باشد و با کاهش نرخ تورم سالیانه، عدم کسری بودجه دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی و تراز حساب جاری نسبت به تولید ناخالص داخلی روبرو باشیم. ریسک اقتصادی کمتر خواهد بود و زنان کارآفرین کمتر نگرانی در جهت تحقق بازده انتظاری فعالیت خواهد داشت و ترس از شکست فعالیت کارآفرینی کاهش می‌یابد، نتایج تخمین نیز تاثیر مثبت ریسک اقتصادی را بر کارآفرینی زنان مثبت و معنادار نشان می‌دهد. همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه مالی و سرمایه انسانی نیز مثبت و معنادار است چرا که با تربیت زنان متخصص و متبحر است که آن‌ها توانایی تشخیص و شناخت فرصت‌ها را خواهند داشت و به دنبال آن اگر زنان کارآفرین دغدغه تامین مالی را نداشته باشند و بخش مالی توسعه‌یافته بتواند شرایط را برای تامین سرمایه با کم‌ترین هزینه سرمایه‌گذاری فراهم نمایند زنان کارآفرین با ذهن و تمرکز بیشتر می‌توانند ایده‌های خود را در جهت توسعه اقتصادی به اجرا درآورد. سرمایه‌گذاران خارجی نیز با تامین مالی فعالیت‌های تولیدی کشورهای مبدأ، می‌توانند منجر به انتقال و سرریز فناوری به کشور مبدأ شده و کمکی بر زنان کارآفرین باشند و متناسب با فناوری سرریز شده ایده‌های جدید و نو برای تشخیص فرصت‌ها بر ذهن کارآفرینان جرقه بزنند و لازمه فعالیت آنها را فراهم نماید. بنابراین متناسب با عوامل مطرح شده و موثر بر کارآفرینی زنان توجه به آنها ملزوم است تا دولتمردان در جهت تحقق و تقویت آن عوامل موثر باشند و رونق را بر کارآفرینی زنان به ارمغان بیاورند، که پیشنهادهای زیر در راستای دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات ارائه می‌گردد:

- با توجه به تاثیر منفی ریسک اقتصادی بر کارآفرینی زنان، کاهش ریسک اقتصادی از طریق فراهم نمودن بسترهای مناسب برای ارتقا رشد و تولید داخلی کشور؛ کاهش

نرخ تورم سالیانه، کاهش کسری بودجه دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی و تراز حساب جاری نسبت به تولید ناخالص داخلی برای ارتقاء کارآفرینی زنان پیشنهاد می‌گردد.

- با توجه به تاثیر مثبت توسعه مالی بر کارآفرینی زنان، نیاز به توسعه‌یافتگی بخش مالی و دسترسی آسان‌تر و بدون تبعیض به منابع مالی ضروری می‌باشد. تا زنان کارآفرین از این رهگذر با کم‌ترین هزینه بتوانند تامین مالی شوند.

- با توجه به تاثیر مثبت سرمایه انسانی بر کارآفرینی زنان، ایجاد بسترهای مناسب برای ارتقاء کیفیت سرمایه انسانی زنان از طریق بهبود کیفیت آموزش و کاهش تبعیض در دسترسی زنان به فرصت‌های آموزشی و تحصیل در مقاطع بالاتر ضروری به نظر می‌رسد.

کتابنامه

- آراستی، زهرا (۱۳۸۵). زنان کارآفرین ایرانی؛ ساختارهای فرهنگی - اجتماعی موثر در ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه. پژوهش زنان، سال چهارم، شماره ۲، صص ۹۳-۱۱۹.
- آراستی، زهرا و اکبری‌جوکار، محمدرضا (۱۳۸۷). تحقیقی پیرامون ویژگی‌های کسب‌وکارهای زنان کارآفرین تحصیل‌کرده دانشگاهی و مشکلات آنان در راه اندازی کسب و کار. مجله دانشور رفتار، سال پانزدهم، شماره ۳۲، صص ۳۷-۴۶.
- آذرمنند، حمید (۱۳۸۵). نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی. مجله روند، سال هفدهم، شماره‌های ۵۰ و ۵۱، صص ۱۷۱-۱۱۹.
- ممیز، آیت‌اله، قاسمی، سیده عاطفه و قاسمی، سیده فاطمه (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی. فصلنامه رشد فناوری، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۱۵-۲۲.
- یعقوبی فرانی، احمد، سلیمانی، عطیه و موحدی، رضا (۱۳۹۳). تحلیل عوامل موثر بر کارآفرینی زنان روستایی. فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان، سال دوازدهم، شمار ۴، صص ۴۲-۷.

Akanji, O. O. (2006). Microfinance as a strategy for poverty reduction. Central Bank of Nigeria Economic and Financial Review, 39(4),. 1-20

Arasti, Z., Oliayee Rezayee, S., Zarei, B. & Shariat Panahi, S. M. (2012). A qualitative study on environmental factors affecting Iranian women entrepreneurs' growth orientation. Journal of Management and Strategy, 3(2), 49-39.

Becker, GS. (1964). Human capital. University of Chicago Press, Chicago.

- Cegarra-Navarro, J. G., Sánchez-Vidal, M. E., & Cegarra-Leiva, D. (2011). Balancing exploration and exploitation of knowledge through an unlearning context: An empirical investigation in SMEs. *Management Decision*, 49(7), 1099-1119.
- Chowdhury, T. Y., Yeasmin, A. & Ahmed, Z. (2018). Perception of women entrepreneurs to accessing bank credit. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 8(32), 1-16.
- Danakol, S. H., Estrin, S., Reynolds, P. & Weitzel, U. (2017). Foreign direct investment via M&A and domestic entrepreneurship: Blessing or curse?. *Small Business Economics*, 48(3), 599-612.
- Daynard, A. (2015). Determinants of female entrepreneurship in India., OECD Economics Department Working Papers, 1(1191), 1815-1873.
- De Bruin, A., Brush, C. & Welter, F. (2007). Advancing a framework for coherent research on women's entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice Journal*, 31(3), 323-339.
- Estrin, S. & Mickiewicz, T. (2011). Institutions and female entrepreneurship. *Journal of Small Business Economics*, 3(1) (1), 397-415.
- Gbadeyan, R. A., Oppong, N. Y. & Oduro, S. (2017).). Effects of socio-economic factors on entrepreneurship activities in Cape Coast, Ghana. . *Journal of Entrepreneurship and Business*, 5(1), 39-51.
- Hatcher, C. A. & Terjesen, S. A. (2007). Towards a new theory of entrepreneurship in culture and gender: A grounded study of Thailand's most successful female entrepreneurs. In Gillin, L. Murray (Ed.) 4th AGSE International Entrepreneurship Research Exchange 2007, 6-9 February 2007, Brisbane, Australia.
- Hurley, A. (1999). Incorporation feminist theories into sociological theories of entrepreneurship. *Women in Management Review*, 4(2), 54-62.
- Kimmit, J. & Munoz, P. A. (2017). Entrepreneurship and financial inclusion through the lens of instrumental freedoms. *International Small Business Journal*, 35(7), 803-828.
- King, R. G. & Levine, R. (1993). Finance, entrepreneurship and growth. *Journal of Monetary Economics*, 32(3), 513-542.
- Koellinger, P., Minniti, M., & Schade, C. (2013). Gender differences in entrepreneurial propensity. *Oxford bulletin of Economics and Statistics*, 75(2), 213-234.
- Langowitz, N., & Minniti, M. (2007). The entrepreneurial propensity of women. *Entrepreneurship Theory and Practice Journal*, 31(1), 341-364.
- Leibenstein, H. (1968). Entrepreneurship and development. *The American Economic Review*, 58(2), 72-83.
- Maden, C. (2015). A gendered lens on entrepreneurship: Women entrepreneurship in Turkey. *Gender in Management: An International Journal*, 30(4), 312-331.
- Manolova, T.S, Brush, C.G., Edelman, L.F. & Shaver, K.G. (2012). One size does not fit all: Entrepreneurial expectancies and growth intentions of us women and men nascent entrepreneurs. *Entrepreneurship & Regional Development*, 24(1-2), 7-27.
- Misra, K., Memili, E., Welsh, D. H. B., & Fang, H. 2014. The Impact of Foreign Direct Investment (FDI) on Women's Entrepreneurship. *Journal of Small Business Strategy*, 24(1), 45-59.

- Munemo, J. (2017). Foreign direct investment and business start-up in developing countries: The role of financial market development. The Quarterly Review of Economics and Finance, 65(1), 97-106.
- Noguera, M., Alvarez, C. & Urbano, D. (2013). Socio-cultural factors and female entrepreneurship. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 9(2), 183–197.
- Noguera, M., Alvarez, C., Merigo, J. M. & Urbano, D. (2015). Determinants of female entrepreneurship in Spain: an institutional approach. *Computational and Mathematical Organization Theory*, 21(4), 341–355.
- Norsiah Mat, I. E. & Razak, R. Z. (2011). Attributes, environment factors and women entrepreneurial activity: A literature review. *Asian Social Science*, 7(9), 124-130.
- North, D. (1990). *Institutions, institutional change, and economic performance*. New York, Cambridge University.
- Okafor, C. & Mordi, C. (2010). Women entrepreneurship development in Nigeria: the effect of environmental factors. *Economic Sciences Series*, 62(4), 43-52.
- Parvin, L., Rahman, M. W. & Jia, J. (2012). Determinates of women micro-entrepreneurship development: An empirical investigation in rural Bangladesh. *International Journal of Economics and Finance*, 4(5), 254-260.
- Pérez, C. P. & Hernández, M. A. (2016). Explanatory factors of female entrepreneurship and limiting elements. *Factores explicativos del emprendimiento femenino y elementos limitadores*, *Suma de Negocios*, 7(15), 25-31.
- Schultz, T. (1959). Investment in man. An economist's view. *Social Serv Rev*, 33, 110–117.
- Urbano, D. & Aparicio, S. (2016). Entrepreneurship capital types and economic growth: International evidence", *Technological Forecasting and Social Change*, 102 (1),: 34- 44.
- Verheul, I., Van Stel, A. & Thurik, R. (2006). Explaining female and male entrepreneurship at the country level. *Entrepreneurship & Regional Development*, 18(2), 151-183.
- Vob, R. & Muller, C. (2009). How are the conditions for high-tech start-ups in Germany?. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 7(3), 285-311.
- Volkova, T. and Graudina, A. (2013). Enhancement of female entrepreneurship for improving individual well-being in Latvia, corporate social responsibility and women's entrepreneurship around the Mare Balticum. *Baltic Sea Academy*, ISBN9783732278459, 437-448.
- Wagner, J. (2007). What a difference a Y makes-female and male nascent entrepreneurs in Germany. *Small Business Economics*, 28(1), 1–21.
- Wilson, F., Kickul, J. & Marlino, D. (2007). Gender, Entrepreneurial Self-Efficacy, and Entrepreneurial Career Intentions: Implications for Entrepreneurship Education. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 31(3), 387-406.